



در یک نشست علمی مطرح شد روش‌شناسی فرهنگی دعوت و جلب اطاعت در قیام عاشورا

در میان موضوعات روش‌شناختی علوم انسانی، بازخوانی سیره اهل بیت(ع) نه تنها یک ضرورت پژوهشی در ابعاد سیاسی و اجتماعی است...

در میان موضوعات روش‌شناختی علوم انسانی، بازخوانی سیره اهل بیت(ع) نه تنها یک ضرورت پژوهشی در ابعاد سیاسی و اجتماعی است، بلکه می‌تواند دریچه‌ای نو به سوی تحلیل‌های علمی باز کند. در همین راستا، نگاهی تازه به واقعه عاشورا نشان می‌دهد که این قیام، فراتر از یک واقعه صرفاً سیاسی یا نظامی، در واقع یک «عملیات فرهنگی مستقل» است؛ حرکتی که با هدفمند بودن، هم در سطح عینی و فوری و هم در ابعاد فراعصری و ماندگار، بازتعریفی از الگوی تغییرات اجتماعی ارائه می‌دهد.

ارسالی/روش‌شناسی فرهنگی دعوت و جلب اطاعت در قیام عاشورا

به گزارش ایکن، سلسله نشست‌های تخصصی دهه سوم محرم با عنوان «افق‌های نو در مطالعات عاشورایی؛ از علل‌شناسی تا فرهنگ پژوهی» به همت انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمیه و با همکاری مشترک پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، دانشگاه مجازی جامعه المصطفی و پژوهشکده بین‌المللی امام رضا(ع) برگزار می‌شود. نخستین نشست آن با موضوع «روش‌شناسی فرهنگی دعوت و جلب اطاعت در قیام عاشورا» با ارائه محمدمصطفی اسعدی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، امروز ۲۱ تیرماه به بررسی ابعاد تحلیلی و مدیریتی این قیام اختصاص داشت.

تأکید بر ضرورت توجه به روش‌شناسی

اسعدی در بخش نخست سخنان خود، با اشاره به اهمیت روش‌شناسی در علوم انسانی، اظهار داشت: این حوزه در پژوهش‌های تاریخی و مطالعات مربوط به سیره اهل بیت(ع) کمتر مورد توجه قرار گرفته، در حالی که ظرفیت‌های فراوانی برای پژوهش از جمله در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و سبک زندگی دینی وجود دارد. از سویی با تفکیک میان دو رویکرد درون‌نگر و برون‌نگر در پژوهش تاریخی، می‌توان واقعه را تحلیل کرد. در رویکرد برون‌نگر، یک پدیده تاریخی در بسترهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زمانی و مکانی آن تحلیل می‌شود و قیام عاشورا نیز باید از همین سنخ باشد؛ یعنی نه به صورت جداافتاده، بلکه در پیوند با زمینه‌های تاریخی، قبیله‌ای، خاندانی و سیاسی زمانه خود مورد تحلیل قرار گیرد.

ارسالی/روش‌شناسی فرهنگی دعوت و جلب اطاعت در قیام عاشورا

قیام عاشورا و عنصر دعوت

این استاد دانشگاه در ادامه، به بحث اصلی خود یعنی دعوت و جلب اطاعت در قیام عاشورا پرداخت و گفت: در بسیاری از جنبش‌های تاریخی، دعوتگران نقش مهمی در جذب افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی دارند. در قیام عاشورا نیز چنین عنصری به صورت پررنگ وجود داشته است؛ به گونه‌ای که سیدالشهدا(ع) و نمایندگان ایشان، در فرآیند دعوت به همراهی با نهضت، از شیوه‌ها و ابزارهای خاصی بهره‌برده‌اند. این قیام، هرچند در یک مقطع خاص تاریخی رخ داده، اما هدف گذاری آن فراعصری و فرانسلی است و آثار و پیام‌های آن محدود به همان زمان نمی‌ماند.

نسبت عاشورا با امروز

وی در بخشی از سخنان خود به بحث نسبت دادن عاشورا به شرایط امروز اشاره کرد و گفت: نباید میان همه ابعاد تاریخی قیام عاشورا و شرایط امروز، انطباق کامل و مستقیم برقرار کرد؛ اما می‌توان از مشی، منش و الگوی رفتاری عاشورایی الهام گرفت و آن را در سلوک فردی، اجتماعی و سیاسی به کار بست. آنچه مهم است، منطبق بودن رفتار، منش و راهبری یک ملت یا رهبر اجتماعی با الگوی عاشورا است، نه تطبیق جزئی و کامل همه زمینه‌ها و ساختارها.

اسعدی در ادامه با اشاره به تنوع چشمگیر رویکردهای پژوهشی و تحلیلی به قیام عاشورا، از خوانش‌های گوناگونی همچون رویکردهای عرفانی و سیاسی یاد کرد و گفت: این کثرت دیدگاه‌ها را نشان‌دهنده ظرفیت‌های بی‌پایان نهضت حسینی برای تحلیل در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است؛ امری که ضرورت انجام پژوهش‌های عمیق‌تر، به ویژه در حوزه روش‌شناسی را

بیش از پیش نمایان می سازد. واقعه عاشورا را می توان از منظرهای متعددی همچون تاریخ، جامعه شناسی، اخلاق، فقه و حتی علوم سلامت مورد بررسی قرار داد.

وی با بیان اینکه برخی پژوهشگران قیام عاشورا را بر پایه مفاهیمی چون تعاون بر برّ و تقوا، عدم تعاون بر اثم و نیز اعانه بر تقوا تحلیل کرده اند، افزود: این تنوع خوانش ها نشان دهنده ظرفیت گسترده نهضت حسینی برای ورود به عرصه های مختلف علمی است. در سال های اخیر پژوهش های ارزشمندی درباره عاشورا از پنجره روان شناسی، روان پزشکی و دیگر شاخه های مرتبط انجام شده است. برخی محققان با تحلیل رفتار و منش حضرت زینب کبری(س) در شرایط سوگ شدید، از منظر روان درمانی و روان پزشکی، نشان داده اند که ایشان با وجود فشارهای عظیم روحی و روانی، هیچ یک از کارکردهای فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را از دست ندادند و این امر بیانگر استحکام کم نظیر شخصیت ایشان است.

وی همچنین با اشاره به برخی مطالعات نوین در زمینه بررسی آثار جسمانی و تاریخی وقایع مربوط به اهل بیت(ع)، این قبیل پژوهش ها را نشانه ای از افق های تازه در مطالعات عاشورایی دانست و تصریح کرد: با وجود این ظرفیت ها، هنوز بسیاری از زمینه های پژوهشی در سیره اهل بیت(ع) مغفول مانده است. در پژوهش حاضر، تمرکز اصلی بر «روش شناسی فرهنگی» است؛ به این معنا که قیام عاشورا نه از منظر سیاسی، نظامی یا رسانه ای، بلکه از زاویه فرهنگ پژوهی و فرهنگ شناسی بررسی شود تا روشن شود دعوت و جلب اطاعت در این نهضت، از حیث فرهنگی، بر چه عناصر و مؤلفه هایی استوار بوده است.

تأکید بر دو لایه اصلی فرهنگ در تحلیل قیام عاشورا

اسعدی در ادامه این نشست با اشاره به لایه های مختلف فرهنگ در مطالعات فرهنگ شناسانه، اظهار کرد: برخی صاحب نظران فرهنگ را در سه لایه «بینش و نگرش»، «ارزش و گرایش» و «کنش، رفتار و آداب و رسوم» بررسی می کنند و برخی نیز لایه چهارمی با عنوان «نمادها و اسطوره ها» به آن می افزایند. در این پژوهش، تمرکز اصلی بر دو دامنه از این لایه ها قرار گرفته است؛ نخست «نگرش سازی» و دوم «گرایش سازی» که استوانه اصلی بحث روش شناسی فرهنگی دعوت و جلب اطاعت در قیام عاشورا را شکل می دهند.

نگرش سازی؛ نخستین ضلع دعوت در قیام عاشورا

اسعدی با تبیین مفهوم نگرش، آن را نوعی ذهنیت، موضع گیری پیشینی و سازمان یافته برای انجام رفتار دانست و تصریح کرد: هر دین، آیین و مکتبی بر پایه مجموعه ای از باورها و اعتقادات، نوعی نگرش مشترک در میان پیروان خود پدید می آورد. هنگامی که رهبران یک قیام یا جنبش در پی ایجاد تحول در جامعه هستند، نخستین گام آنان، ایجاد یک ذهنیت جدید و اصلاح در اندیشه هاست؛ اصلاحی که در نهایت به تغییر رفتارها منجر می شود.

وی در همین زمینه با اشاره به نقش اصلاح گرانه انبیا گفت: در نهضت اصلاحی پیامبران نیز همین عنصر اصالت دارد؛ چنان که امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج البلاغه، نقش انبیا را در برانگیختن دفینه های عقول و بیرون کشیدن عقل های مدفون شده بشر توصیف می کنند. در تحلیل تاریخی قیام عاشورا نیز این عنصر، یعنی «نگرش سازی»، به صورت پررنگ قابل مشاهده است.

عقلانیت عاشورا؛ ضلعی که کمتر دیده شده است

این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در ادامه با اشاره به بیانی از رهبر معظم انقلاب، یادآور شد: در عاشورا می توان سه ضلع «عقلانیت»، «احساسات و عواطف» و «حماسه» را بازشناخت. آنچه در بحث حاضر مورد توجه قرار می گیرد، بیش از همه به ضلع نخست، یعنی عقلانیت، بازمی گردد. یکی از چالش های پررنگ در جامعه شیعی آن است که گاه ضلع عاطفه و حتی حماسه در فهم عاشورا پررنگ تر از ضلع عقلانیت و نگرش سازی شده است، در حالی که از منظر فرهنگی، همین ضلع نخست باید بیشترین سهم را در تحلیل و بازخوانی قیام عاشورا داشته باشد. این موضوع باید بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران، خطیبان، واعظان و مداحان اهل بیت(ع) قرار گیرد، زیرا عنصر بینشی و نگرشی عاشورا، به رغم اهمیت بنیادینش، در بسیاری از موارد کمتر از دیگر ابعاد این قیام مورد توجه قرار گرفته است.

بازتبیین جایگاه امام؛ مهم ترین محور نگرش سازی

اسعدی در ادامه، مهم ترین متعلق نگرش سازی در قیام عاشورا را «بازتبیین جایگاه امام» دانست و گفت: امام حسین(ع) در دعوت خود با جامعه ای ملحد یا مشرک مواجه نبودند، بلکه با جامعه ای مسلمان روبه رو بودند؛ اما همین جامعه اسلامی نیز در فهم جایگاه امام دچار خلأ و نقصان بود. در نظام فکری شیعه، امام جایگاهی منصوص و مفترض الطاعه دارد، اما در جامعه ای که

تحت تأثیر مکتب خلفا، صحابه و جریان سقیفه قرار گرفته، این جایگاه با چالش‌های جدی مواجه شده بود.

وی افزود: امام حسین(ع) نه فقط در بستر خود قیام، بلکه از سال‌ها پیش از آن، به تدریج فرآیند نگرش‌سازی نسبت به جایگاه امامت را آغاز کرده بودند. در این زمینه به گزارشی از موسی بن عقبه می‌توان اشاره کرد. بر اساس این نقل، امام حسین(ع) روزی در مسجد و به درخواست معاویه بر منبر رفتند و در سخنان خود به حدیث ثقلین استناد کردند و یادآور شدند که اهل بیت(ع) همتای قرآن و محل رجوع در تفسیر حقایق آن هستند. در این روایت، تأکید امام بر اطاعت از اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که ایشان حتی در دوره معاویه نیز در موضع تبیین گرانه و روشنگرانه نسبت به جایگاه امامت قرار داشتند.

تکرار تبیین جایگاه اهل بیت(ع) در مقاطع مختلف

اسعدی با اشاره به تداوم این رویکرد در دیگر مقاطع تاریخی گفت: در صحرای منا نیز امام حسین(ع) بار دیگر جایگاه اهل بیت(ع) را برای مخاطبان تبیین کردند و سخنان پیامبر اکرم(ص) را درباره جایگاه پدر، مادر، برادر و خودشان بازگو نمودند. همچنین پس از مرگ معاویه و در مواجهه با درخواست بیعت برای یزید، امام حسین(ع) با صراحت از جایگاه خاندانی خود به عنوان «خاندان نبوت»، «معدن رسالت» و «محل رفت و آمد فرشتگان» سخن گفتند. این تعبیر صرفاً بیان فضیلت نبود، بلکه بخشی از یک فرایند عمیق نگرش‌سازی در جامعه اسلامی محسوب می‌شد؛ فرایندی که باید مخاطب را به درک صحیحی از جایگاه امام و نسبت آن با هدایت الهی می‌رساند.

بهره‌گیری از عناصر نمادین در فرایند نگرش‌سازی

وی در ادامه توضیح داد: نگرش‌سازی صرفاً با گفتار محقق نمی‌شود، بلکه گاه عناصر بصری و نمادین نیز در این فرایند نقشی مهم ایفا می‌کنند. در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است که امام حسین(ع) در یکی از مجالس، عصای نبوی را همراه داشتند. این موضوع از نظر فرهنگی و ارتباطی بسیار معنادار است، زیرا امام تنها با زبان سخن نمی‌گفتند، بلکه با نشانه‌ای عینی و بصری نیز به مخاطب یادآوری می‌کردند که جایگاه اهل بیت(ع) امتداد همان جایگاه نبوی است. این شیوه، نمونه‌ای از نگرش‌سازی از مسیر نمادهاست؛ بدین معنا که مخاطب نه فقط از راه استدلال لفظی، بلکه از طریق نشانه‌های مرجع ساز و هویت ساز نیز با حقیقت جایگاه امام روبه‌رو می‌شود.

اسعدی با اشاره به برخی گزارش‌های طبری گفت: امام حسین(ع) در نامه به اهل بصره نیز همین محور را دنبال کردند و تصریح نمودند که خاندان پیامبر(ص)، اولیا و وارثان حقیقی اویند. همچنین در آغاز دعوت در مکه و در طول مسیر کربلا، بارها همین معنا بازتکرار شد که رضایت اهل بیت(ع) با رضایت الهی همسوست. در منزلگاه «بیهضه» نیز امام خود را الگوی مردم معرفی می‌کنند؛ تعبیری که عملاً جایگاهی هم‌سنخ با اسوه بودن پیامبر(ص) را برای امام در نظام هدایت جامعه ترسیم می‌کند.

گرایش‌سازی؛ ضلع دوم روش شناسی فرهنگی دعوت

اسعدی در ادامه سخنان خود، دومین محور اصلی در روش شناسی فرهنگی دعوت در قیام عاشورا را «گرایش‌سازی» دانست و گفت: در ادبیات فنی مطالعات فرهنگی، گاه از این حوزه با عنوان «ارزش» نیز یاد می‌شود؛ حوزه‌ای که به عواطف، احساسات و کشش‌های درونی انسان مربوط است و معمولاً در پیوند با نگرش قرار می‌گیرد. گرایش‌سازی را می‌توان نوعی دعوت در سطح عاطفی و احساسی دانست؛ دعوتی که ساحت عاطفی مخاطب را برمی‌انگیزد و او را از درون به سوی همراهی و اطاعت سوق می‌دهد.

وی تأکید کرد: میان نگرش‌سازی و گرایش‌سازی پیوستگی عمیقی وجود دارد؛ به این معنا که معمولاً موضوعی که درباره آن شناخت و نگرش ساخته می‌شود، موضوع تعلق عاطفی و گرایشی نیز قرار می‌گیرد. از همین رو، در قیام عاشورا نیز همان گونه که نسبت به جایگاه امام نگرش‌سازی صورت می‌گیرد، نسبت به امام گرایش‌سازی نیز دنبال می‌شود؛ یعنی افزون بر آنکه جامعه باید امام را بشناسد، باید نسبت به او محبت، کشش، التزام و احساس مسئولیت نیز پیدا کند.

گرایش‌سازی در دعوت عاشورایی؛ عنصری مستقل در کنار نگرش‌سازی

اسعدی در ادامه سخنان خود با تأکید بر اینکه «گرایش‌سازی» در قیام عاشورا صرفاً تابعی از نگرش‌سازی نیست، تصریح کرد: این عنصر می‌تواند به صورت مستقل نیز در فرایند دعوت و جلب اطاعت نقش آفرین باشد. همان گونه که در سیره نبوی نیز می‌توان دید، جذب برخی افراد از طریق استدلال‌های عقلی صورت می‌گیرد و جذب برخی دیگر از مسیر عواطف، احساسات و محبت است. از این رو، گرایش و کشش درونی انسان خود می‌تواند یک عنصر مستقل در دعوت به شمار آید، نه اینکه الزاماً

همواره وابسته به فرایند نگرش سازی باشد.

وی در تبیین مصادیق گرایش سازی در عاشورا، به گفت وگوی امام حسین(ع) با عبیدالله بن حرّ جعفی اشاره کرد و گفت: در این نقل تاریخی، امام هنگام دعوت او به یاری و جهاد، از تعبیر «دعوت به توبه» بهره می گیرند و می فرمایند که این همراهی می تواند گناهان گذشته او را بشوید. این بیان نشان می دهد که امام در دعوت خویش، از عنصر پاکی از گناه و امکان توبه به عنوان یک جاذبه درونی و انگیزاننده استفاده می کنند؛ یعنی مخاطب از منظر منفعت اخروی و رهایی از آلودگی های پیشین نیز به همراهی با امام فراخوانده می شود. در اینجا منفعت ابدی و ریزش گناهان، خود یک گرایش مستقل پدید می آورد و امام بر اساس همین منافع و جاذبه های معنوی، دعوت را شکل می دهند.

هشدار نسبت به خطر ابدی عدم یاری اهل بیت(ع)

این پژوهشگر حوزه معارف اسلامی ادامه داد: یکی دیگر از مؤلفه های گرایش سازی در قیام عاشورا، هشدار نسبت به پیامدهای اخروی عدم یاری اهل بیت(ع) است. وقتی گفته می شود هرکس استغاثه اهل بیت پیامبر(ص) را بشنود و آنان را یاری نکند، گرفتار عذاب الهی خواهد شد، در حقیقت عنصر دفع خطر ابدی به عنوان یک انگیزه درونی برای همراهی با امام فعال می شود. اینجا صرفاً بحث از یک شناخت نظری نیست، بلکه سخن از برانگیختن گرایشی عمیق در انسان است؛ گرایشی که از رهگذر خوف، مسئولیت و احساس خطر نسبت به آینده ابدی خود، مخاطب را به حمایت از امام فرامی خواند.

اسعدی در ادامه، به نمونه ای از سخنان حبیب بن مظاهر در گفت وگو با گروهی از بنی اسد اشاره کرد و گفت: حبیب در دعوت آنان به یاری سیدالشهدا(ع)، بر این نکته تأکید می کند که هرکس در رکاب فرزند دختر رسول خدا(ص) با تحمل سختی ها کشته شود، در عالی ترین درجات، همنشین پیامبر اکرم(ص) خواهد بود. این گونه بیانات، روشن می سازد که در دعوت عاشورایی، تشریح منافع ابدی بخش مهمی از فرایند گرایش سازی را تشکیل می دهد و داعیان قیام، از طریق ترسیم آینده ای روشن و متعالی برای یاران امام، آنان را به همراهی فرا می خوانند. عنصر شهادت نیز در همین چارچوب قابل فهم است؛ زیرا شهادت در این منظومه، صرفاً یک رخداد تلخ و پرهزینه نیست، بلکه ارزشی متعالی و گشاینده راه به سوی قرب الهی و رفاقت با پیامبر(ص) تلقی می شود.

تأکید بر شهادت طلبی در گفتار امام و داعیان نهضت

وی در ادامه با اشاره به گزارشی از ابومخنف درباره منزلگاه گفت: امام حسین(ع) در این منزلگاه به همراهان خود فرمودند هرکس می خواهد بازگردد، از سوی ما بیعتی بر او نیست. امام می دانستند که اگر واقعیت مسیر و سرانجام آن برای همگان به روشنی آشکار شود، جز شهادت طلبان و ایثارگران در کنار ایشان باقی نخواهند ماند. این بیان نشان می دهد که گرایش به شهادت نیز یکی از عناصر مهم در گرایش سازی عاشورایی است؛ عنصری که هم در سخنان شخص امام و هم در گفتار داعیان و همراهان ایشان به وضوح قابل رهگیری است.

هشداردهی نسبت به آسیب های عدم اطاعت از امام

اسعدی در بخش دیگری از سخنان، هشداردهی نسبت به آسیب های عدم اطاعت و همراهی با امام را سومین ضلع مهم گرایش سازی در قیام عاشورا دانست و گفت: این هشدارها در کنار ترسیم منافع ابدی و دعوت به توبه، مجموعه ای از سازوکارهای فرهنگی را شکل می دهند که از رهگذر آنها، مخاطب نه فقط به شناخت حق، بلکه به گرایش عاطفی و ارادی نسبت به حق نیز می رسد. این عناصر در عمل، همیشه به صورت کاملاً منفک و جدا از یکدیگر ظاهر نمی شوند، بلکه در بسیاری از موارد، به صورت هم پوشان و هم افزا در بیانات اهل بیت(ع) و یاران ایشان حضور دارند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در جمع بندی این بخش از سخنان خود تأکید کرد: قیام عاشورا را باید دارای یک «رویکرد فرهنگی مستقل» دانست؛ رویکردی که در دل یک حرکت سیاسی و نظامی، به مثابه یک عملیات فرهنگی جدی و هدفمند عمل می کند. این عملیات فرهنگی، هم جنبه حداقلی و هم جنبه حداکثری دارد، هم در سطح فوری و عینی اثرگذار است و هم دارای بُعدی فراعصری و ماندگار است.

ظرفیت های پژوهشی تازه در ابعاد جزئی تر فرهنگ عاشورا

وی در پایان سخنان خود، با اشاره به امکان گسترش این بحث در پژوهش های آینده، اظهار کرد: یکی از ابعاد قابل توجه که می تواند به صورت مستقل موضوع مقاله یا حتی پایان نامه قرار گیرد، مسئله «نمادپردازی» در سیره اهل بیت(ع) و به ویژه در قیام

عاشورا است. نمادپردازی‌ها می‌توانند در قالب‌های بصری، محیطی، گفتاری و آوایی ظاهر شوند و هر یک از این سطوح، ظرفیت بالایی برای تحلیل در چارچوب عملیات فرهنگی اهل بیت(ع) دارند. اگر این موضوع به طور جدی دنبال شود، می‌توان نشان داد که دعوت گری، نگرش سازی و گرایش سازی در سیره اهل بیت(ع)، نه فقط در قالب الفاظ و گزاره‌ها، بلکه در زمینه‌های نمادین نیز به صورت معنادار و هدفمند تحقق یافته است.

وی همچنین در پاسخ به یکی از حاضران، به ظرفیت‌های «روان‌شناسی تاریخی» در مطالعه شخصیت‌های مرتبط با اهل بیت(ع) اشاره کرد و گفت: هرچند روان‌شناسی تخصص اصلی او نیست، اما این حوزه می‌تواند افق‌های جدیدی را در تحلیل شخصیت‌های تاریخی، یاران اهل بیت(ع) و حتی مخالفان آنان بگشاید. برخی نقدهایی که از سوی اهل بیت(ع) نسبت به یاران یا خواص پیرامون آنان مطرح شده، از منظر روان‌شناسی تاریخی قابل بررسی است و این مسئله می‌تواند زمینه پژوهش‌های مهمی را در نسبت میان ویژگی‌های شخصیتی، زمینه‌های وراثتی و عملکردهای اجتماعی و سیاسی فراهم آورد.